

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین سعیدی-سعید افغانی

۰۵ جولای ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم ترجمه و تفسیر سوره الإنسان

سوره الإنسان در مکه مکرمه نازل شده و دارای سی و یک آیت و دو رکوع می باشد.

وجه تسمیه:

«سوره الإنسان»؛ بدین جهت به نام «الإنسان» مسمی شده است، که درین سوره در اول آیت نام انسان به کار رفته است و به این بیان که پروردگار با عظمت انسان را از عدم خلق نموده است.

محل نزول:

در مورد این که سوره انسان در مکه نازل و یا هم در مدینه، بین خود اختلاف است، برخی از مفسرین بدین باور اند که تمام این سوره مکی می باشد. از عکرمه و حسن مدنی بودن این سوره نقل شده است که این سوره الی آیت «وَلَا تُطْعَمُهُمْ إِلَّا مَا أُوْكُفِرُوا» که آن در مکه نازل شده است. همچنان برخی از مفسرین می فرمایند که از آیت: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا» تا آخر سوره مکی که هشت آیت است، و از اول سوره تا آیت مذکور که بیست و دو آیه است مدنی می باشد.

ولی بیشترین صاحب نظران از جمله: عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر، قتاده و... این سوره را مکی می دانند و این نظر نیز قابل ترجیح و نزدیک به ثواب می باشد. (الناسخ والمنسوخ جلد ۳ صفحه ۱۳۲، اتقان جلد ۱ صفحه ۵۹). و کتاب «شناخت مکی و مدنی قرآن سوره انسان: اثر علمی و تحقیقی: پوهندوی دوکتور عبد القدوس «راجی» (تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول تألیف علامه جلال الدین سیوطی)



محتوای کلی این سوره :

- محتوای این سوره بر پنج بخش اساسی تقسیم می‌گردد:
- در بدو از آفرینش انسان و خلقت او از نطفه امشاج (مختلط) و سپس هدایت و آزادی اراده او بحث می‌نماید.
- در بخش دوم بحث از پاداش ابرار و نیکان به عمل می‌آورد.
- در بخش سوم دلایل استحقاق این پاداشها را در جمله‌هائی کوتاه و مؤثر تشریح می‌فرماید.
- در بخش چهارم به اهمیت قرآن، و طریق اجرای احکام آن، و راه پرفراز و نشیب خودسازی اشاره شده.
- در بخش پنجم بحث از حاکمیت مشیت الهی را مورد بحث قرار می‌دهد.

تعداد آیات :

چنانچه در فوق ذکر گردید تعداد آیات سوره انسان سی و یک آیت می‌باشد.

تعداد کلمات :

تعداد کلمات سوره انسان به دوصد و چهل کلمه می‌رسد (این عدد در بین علماء قابل بحث است).

تعداد حروف :

تعداد حروف سوره انسان هزار و چهارصد و پنجاه حرف می‌باشد (البته این عدد در بین علماء قابل بحث است)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده و مهربان

«هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا» (۱)

(آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود) (۱)

«هَلْ أَتَى ...» = قَدْ أَتَى. استفهام تقریری است.

«الدَّهْرِ» «روزگار، زمان».

«مَّذْكُورًا» «قابل ذکر».

آیا می‌خواهد بفهماند انسان موجودی است حادث، که در پدید آمدنش نیازمند به صانعی است تا او را بسازد و خالق که او را خلق کند و همینطور هم بوده است، پروردگارش او را آفریده و به تدبیر ربوبیتش به ابزار شعور یعنی سمع و بصر مجهزش کرده، تا با آن ابزار شعور به راه حق هدایت شود.

ناچیز بودن انسان گاهی طبیعی است، «لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا» ولی به تأسف باید گفت که در برخی از اوقات همین انسان به عمل و یا گفتار ناخردمندانه اش منزلت خویش را به سرحد ناچیز بودن می‌رساند. طوری که قرآن عظیم الشان می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ ...» (آیت ۶۸ سوره مائده) ای اهل کتاب! اگر کتاب آسمانی را برپا ندارید، هیچ هستید.

خواننده محترم!

کلمه انسان شصت و پنج بار در قرآن عظیم الشان به کار رفته است، که از آنجمله ۱۲ بار از خلقت انسان از نطفه یاد آوری به عمل آورده است، تا هم قدرت خداوند معلوم شود که از نطفه‌ای انسان را می‌سازد و هم انسان دچار غرور و تکبر نگردد.

اگر به صورت کل که به فحوای این آیات نظر انداخته شود، در خواهیم یافت که از آن جسد ظاهری و صورت ظاهری مراد نیست چنان که در بشر مراد است، بلکه باطن، نهاد، استعداد، انسانیت و عواطف او در نظر اند. خداوند متعال به نیکوترین شیوه انسان را خلق کرد، وی را بالاترین کرامت بخشید و هستی را برایش مسخر کرد تا سبب تمایز و برتری وی شود. به وی نعمت عقل را ارزانی فرمود و بر فطرتی آفرید که به سوی کمال سیر کند و در او میل به شهوت قرار داد تا با تجربه صبر و شکر در برابر آن، راه نزدیکی به الله برایش میسر گردد. به او آزادی و اختیار بخشید، تا اعمالش را ارزشمند گرداند و برایش کتاب‌هایی فرستاد تا به او الهام کند که پاکی‌ها برایش مجاز و پلیدی‌ها برایش ممنوع است. خداوند این همه را به انسان نمایان کرد که پروردگارش را بشناسد و بندگی او را به جای آورد و در نهایت، خوشبختی دنیا و آخرت را برای خود رقم زند.

«إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (۲)

همانا ما انسان را از نطفه‌ای مختلطی (از نطفه مرد و زن) خلق کردیم تا او را بیازمائیم، پس او را شنوا و بینا گردانیدیم. (۲)

«أَمْشَاجٍ» جمع آن «مشج و یا مشیج» است، که به معنای مخلوط و آمیخته می‌آید، که در ظاهر هدف از آن نطفه‌ای آمیخته مرد و زن است. در «دروح‌المعانی» از بعضی مفسرین نقل شده است که مراد از «امشاج» اخلاط اربعه‌ای هون، بلغم، سودا و صفرا است که نطفه از آنها ترکیب یافته است.

هدف آیت مبارکه که می‌فرماید ما انسان را از حالی به حالی دیگر در می‌آوریم این است که، نطفه را علقه (خون بسته) و علقه را مضغه (گوشت جویده شده) کرده تا در آخر خلقتی دیگرش می‌کنیم و به همین منظور او را دارای قوای چشم و گوش (که همانا هدف مشاعر و عقل و هوش) می‌گردانیدیم، تا دعوت الهی را که به او می‌رسد بشنود و آیات الهی را که وحدانیت پروردگار با عظمت، رسالت انبیاء رسول و پیامبران، قیامت و بعث بعد الموت را اثبات می‌کند، ببیند و به این ترتیب با آگاهی تمام در مسیر حق حرکت کند. نطفه مخلوط می‌تواند اشاره باشد به اختلاط اسپرم و تخمه، یا اشاره باشد به استعدادهای مختلفی که درون نطفه وجود دارد، یا اشاره به مواد مختلفی باشد که نطفه را می‌سازد.

واقعاً که خلقت مخلوقات معجزه است:

اشیای عادی و غیرعادی و آنچه را که از طریق عقل به وجود آنها پی می‌بریم و یا اشیائی را که برخی مردم آن را غیرقابل درک می‌پندارند، تماماً و به طور یکسان در تحت سیطره قدرت الهی قرار دارند، خداوند متعال هر آنچه بخواهد به وقوع می‌پیوندد، طوری که قرآن عظیم الشان در (آیت ۶۹ سوره انبیاء) می‌فرماید: «قلنا ینارُ کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم» (به آتش هدایت دادیم که آتش سرد و سالم شو بر ابراهیم). آتش جز به اراده الله تعالی نمی‌سوزاند، هر گاه خداوند بخواهد که بسوزاند، می‌سوزاند و چنانچه او نخواهد، نمی‌سوزاند و آب با خواست خداوند به صورت سیال و مایع می‌باشد و هر گاه خداوند بخواهد جامد و سخت گردد چنان خواهد شد؛ دقت کنید به آنچه که خداوند متعالی در مورد حضرت موسی علیه السلام انجام داده است: «فلما تسرعاً الجمعان قال أصحابُ موسیٰ إنّنا لمدرکون، قال کلاًّ إنّ معی ربّی سیهدین، فأوحینا إلی موسیٰ أنّ اضرب بعصاک البحر فانقلب فکان کلُّ فرقٍ کالطّود

العظیم» (آیت ۶۳ سوره شعراء) (هنگامی که هر دو گروه یک دیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: ما به دست فرعونیان گرفتار می گردیم. موسی گفت: چنین نیست پروردگار با من است، رهنمودم خواهد کرد. به دنبال آن به موسی علیه السلام وحی نمودیم که عصای خود را به بحر بزن، بحر از هم شکافت، و هر بخشی همچون کوه بزرگی گردید.). به صورت کل باید گفت: همه اشیاء در کُرّه ارضی ما، فرق نمی کند اشیاء عادی باشد و یا غیر عادی همه آن معجزه است. به طور مثال: به گاوی که تولید کننده شیر است، توجه بفمائید که اگر علماء تمام جهان دست به دست هم دهند، هرگز قادر نخواهد شد که از این گیاه سبز شیر تولید کند که حاوی خواص شیر و مواد غذایی ما در آن فراهم شود، پس آیا گاو معجزه نیست؟

آیا آفرینش انسان معجزه نیست؟

آیا رویاندن گیاه معجزه نیست؟

آیا بارش باران معجزه نیست؟

و شما در حیطهٔ میلیون ها معجزه واقع شده اید، و با تأسف از آنها آگاه نیستید.

آیا به صورت کل هستی معجزه نیست؟

توجه بفمائید در مولود که چگونه از آب ناچیزی خلق شده است. از نطفهٔ ناچیزی که با چشم دیده نمی شود، چهارصد میلیون نطفه از مرد به یکباره رها می گردد. هر کدام دارای سر، گردن و دم می باشند و گسترش می یابند و در رأس آن ماده ای است که با پوست نازکی پوشانده شده است و چون با تخمدان برخورد نماید پاره گردد و این ماده در ذوب نمودن جدار تخمدان و دخول به آن دارای نقش می باشد و نطفه به تخمدان وارد گشته و در طریق رفتن به رحم، بدون افزایش حجم به تعداد فراوانی تقسیم گردد. پس دیده می شود که آفرینش انسان معجزه بینظر است.

واقعاً خلقت انسان معجزه است:

در حیات هر کدام از انسان ها نشانه های اعجاز آوری است که آشکارا بر عظمت خدای عزّ و جلّ دلالت می نمایند، که از جمله آنها تشکیل جسم ما است که نسبت به هر چیز برای ما نزدیک تر است. به طور مثال در سر هر کدام از ما سه صد هزار موی وجود دارد، که هر موی دارای پیاز، رگ، سرخرگ، ماهیچه، عصب، غدهٔ چربی و وراثتی می باشد. به شبکهٔ چشم نظر بیندازیم که دارای ده قسمت می باشد، که در بین مخروط [چشم] و کمانک [آن] صد و چهل میلیون گیرندهٔ نور یافت می گردد و عصب بینائی که از چشم به مغز می رسد شامل پنج صد هزار تار عصبی است. به گوش نظر بیندازیم، مانند شبکهٔ چشم در آن (قسمت های مختلف) وجود دارد، و در آن سی هزار سلول صرف برای شنیدن صدا از جمله خفیف ترین صدا وجود دارد. به مغز نظر بیندازیم در مغز دستگاهی است - که تقاضل زمانی - که از یک هزار و ششصد ثانیه کمتر است - برای حصول صدا به هر گوش را اندازه گیری می نماید، و جهت صدا را برای انسان معلوم و معین می سازد.

به زبان نظر بیندازیم؛ در روی زبان جهت شناخت مزه های شیرین، ترش، تلخ و شور برآمدگی چشائی وجود دارد، که وظیفهٔ آن انتقال مزه خوردنی ها به مغز می باشد. هر حرفی که بر روی زبان به صدا در می آید، هفده عضله در تشکیل آن شرکت می نمایند.

چه کسی باور می نماید؟ که در قسمت داخلی دهان پنجمصد هزار سلول وجود دارد؟ و در هر پنج دقیقه نیم میلیون سلول در دیواره داخلی از بین رفته، و نیم میلیون سلول () جدید دیگر جای آنها را پر می کند.

کرویات سرخ خون چنانچه کنار هم چیده شوند طول آن شش برابر محیط زمین می باشد و در هر میلیمتر مکعب خون پنج میلیون گلبول سرخ وجود دارد و هر گلبول سرخ در روز هزار و پنجمصد بار در خون به گردش درمی آید و مسافت هزار و پنجاه کیلومتر را طی می نماید.

به قلب انسان نظر اندازیم ؛ قلب (انسان) در عمر متوسط بیشتر از ظرفیت یک [ساختمان] آسمان خراش خون پمپ می نماید، در یک دقیقه شصت الی هشتاد بار نبض می زند و در روز هزار بار می تپد، که در این تعداد تپش هشت هزار لیتر خون پمپ می نماید و هر دوصد لیتر معادل یک بیلر می باشد و برخی دانشمندان تهیه خون توسط قلب را در عمر، پنجاه و شش میلیون گیلن حساب نموده اند و هر گیلن معادل پنج لیتر می باشد.

و انسان در هر ۲ ثانیه صد و بیست میلیون سلول مصرف می نماید و مغز انسان دارای چهارده میلیارد سلول بیرونی و صد میلیارد سلول پایه می باشد که کارائی آنها هنوز شناخته نشده است، و مغز پیچیده ترین دستگاه در وجود انسان می باشد، با این وجود مغز از فهم حقیقت خود عاجز است.

و در دو شش (ریه) انسان همسان خوشه های انگور هفتصد میلیون نوع سلول ریوی وجود دارد و اگر پخش گردند، مساحت دوصد متر مکعب را اشغال می نماید، و هر دو شش در روز بیست و پنج هزار بار می تپند، و صد و هشتاد متر مکعب استنشاق می نمایند. به جگر انسان نظر بیندازیم ، در جگر سیصد میلیارد سلول وجود دارد که در ظرف چهار ماه تماماً تجدید می گردند، وظایف جگر بی نهایت فراوان است ، مهم و حیرت آور است، طوری که انسان بدون جگر بیش از سه ساعت نمی تواند زنده ماند.

و اگر به معده نظریه اندازیم صرف در جدار معده میلیاردها سلول وجود دارد. که در یک روز افزون بر چند لیتر اسید را تراوش می نماید و دانشمندان در حل این معما - که چرا معده خودش خود را هضم نمی نماید؟ - بسیار تلاش نموده اند که علت آن را از لحاظ علم دریافت نمایند که تا هنوز بدان قادر نشده اند ، بناء گفته می توانیم که همین معده با این وظایفش معجزه می باشد .

و اگر به روده ها نظر بیندازیم ؛ در روده سه هزار و ششصد موی روده ای جهت مکیدن در هر سانتی متر مربع یافت می گردد، و این موی ها تماماً هر چهل و هشت ساعت دوباره تجدید حیات می نمایند.

و همچنان اگر به گرده ها نظر بیندازیم ؛ در گرده ها دو میلیون دستگاه تصفیه [خون] که طول آنها روی هم صد کیلومتر می باشد، وجود دارد . که در هر روز، پنج بار خون از آنها عبور می نماید.

و زیر لایه پوست پانزده میلیون تنظیم کننده و تهویه حرارت بدن یافت می شود، که همان غده عرق ریز باشند و هر غده عرق ریز نیز دارای تهویه، تنظیم، تعدیل حرارت و رطوبت می باشد.

بناءً با این چشم و کالبدی که ما با آن زندگی و حیات به سر می بریم؛ نزدیکترین شیء نسبت به ما می باشد و این واقعیت هائی است که اطباء دهها سال پیش آن را کشف نموده اند و مطلقاً جای جر و بحث نیست و قرآن نیز می فرماید: «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (سوره ذاریات : ۲۱) (و در خود شما [آیاتی] وجود دارد آیا نمی بینید؟).

واقعاً خلقت انسان در زیباترین شکل آن بوده طوری که خالق لایزال میفرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ، ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (سوره تین : ۴-۶) «ما انسان را در بهترین شکل و سیما خلق نمودیم ، سپس او را به پائین ترین مرحله باز گردانیدیم، مگر کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند که برای آنها پاداش تمام ناشدنی است.»

پروردگار ما هر آنچه را ساخته و خلق نموده به آن کمال و زیبایی بخشیده است، و می فرماید : «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (سوره تین : ۴) و باز می فرماید : «الَّذِي خَلَقَ فَسُوَّلَكَ فَعَدَّلَكَ» (سوره انفطار : ۷) (پروردگاری که تو

را آفریده است و سپس سر و سامانت داده است، و بعد تو را معتدل و متناسب کرده است) این همه نشانگر عنایت خاص خالق لایزال است، و اشاره دارد به این که انسان نزد خداوند و در نظام هستی دارای ارج و منزلت می باشد. به صورت کل انسان عظیمترین معجزه می باشد.

ادامه دارد